

## نسبت‌سنجی مهدویت و تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری

مصطفی رضایی<sup>۱</sup>

### چکیده

امروز مباحث «تمدن نوین اسلامی» و «مهدویت پژوهی» به نحوی گسسته در حال مطرح شدن است و محققان هرکدام از دو رشته، جدا از دیگری در حال طرح‌ریزی مباحث خود هستند. طبیعی است ابهام این ارتباط و نسبت موجود بین آنها، سبب پراکنده‌کاری و موازی‌کاری پژوهشی بین دو رشته خواهد شد. مضاف بر این، در منظومه فکری مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی و مهدویت، رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. بر همین اساس، ضروری است نسبت بین این دو مقوله از منظر ایشان مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد. در این اثر، با روش «توصیفی-تحلیلی» بدین امر پرداخته خواهد شد. نتیجه اثر پیش رو، این که در منظومه فکری مقام معظم رهبری، تحقق تمام و کمال تمدن نوین اسلامی در عصر ظهور خواهد بود. در این میان، هدفگذاری انقلاب اسلامی بر دستیابی به تمدن نوین است؛ بدین سبب که به میزان پایه‌گذاری این تمدن، حلقه‌های مقدمه‌سازی ظهور در روند طولی خود پیش‌تر خواهد رفت. لذا تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین، بلکه تام‌ترین سبب در مسیر تسهیل‌گری ظهور محسوب می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، تمدن نوین اسلامی، اندیشه مقام معظم رهبری، مقدمه‌سازی ظهور.

## مقدمه

به دنبال تکامل فکری و علمی بشر، تمدن نوینی در عالم شکل خواهد گرفت که برتری و تفاوت ذاتی تمدن معنوی و مادی را برای بشر مشهود خواهد کرد. این تمدن متکفل شکوفایی زندگی انسان در همه عرصه‌های دنیوی و اخروی است؛ چراکه انسان، موجودی تک‌ساحتی نیست و مرگب از ابعادی وجودی مادی و معنوی است و از آن‌جاکه این تمدن، رسالت به فعلیت رساندن تمام استعدادهای بشر را بر دوش دارد، این شکوفایی فرابُعدی از مسئولیت‌های اساسی آن خواهد بود؛ همان‌طور که مهدویت به دنبال پیشبرد جامعه بشری به عصر ظهور و تحقق مقام خلیفه‌اللهی انسان در عرصه فردی و اجتماعی است.

استخراج نگاه تعاملی یا تقابلی به دو موضوع مهدویت و تمدن نوین اسلامی، هم‌گرایی یا واگرایی این دو موضوع را روشن خواهد کرد و دستیابی به این مهم، سبب باز شدن مسیر مهندسی تمدن خواهد شد؛ مضاف بر این‌که نقشه راه جمهوری اسلامی نیز به روشنی ترسیم خواهد شد؛ چراکه هویت انقلاب اسلامی، در گرو مهدویت است و تمدن نوین اسلامی نیز به عنوان یکی از غایات پیش‌روی انقلاب، در کلام مقام معظم رهبری مورد نظر قرار گرفته است. بر همین اساس، نسبت‌سنجی از تمدن نوین و مهدویت می‌تواند گره‌های فکری و عملیاتی عدیده‌ای را از مسیر گفتمان انقلاب و همچنین گفتمان‌سازی مهدویت باز دارد.

از جمله آثار همسو نگاشته شده در این زمینه این موارد است: ۱. «تمدن اسلامی؛ نگاهی اجمالی به بیانات رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای، درباره تمدن اسلامی»، اثر محمد حسین علیجان زاده روشن که در سال ۱۳۹۲ توسط نشر شهید کاظمی منتشر شده است. نویسنده در این اثر، به نحوی گذرا به بایسته‌ها، شاخصه‌ها و راهکارهای ایجاد تمدن از منظر مقام معظم رهبری پرداخته است؛ ۲. «اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی»، اثر محسن الویری که در سال ۱۳۹۲ توسط مجله انتظار موعود به چاپ رسیده و نگارنده طی آن تلاش کرده است که نقش اندیشه مهدویت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را تبیین کند. در این اثر از تأثیر آموزه مهدویت در ترسیم آینده دست‌یافتنی و ایجاد روح حاکم بر تمدن نوین سخن گفته شده است؛ ۳. «بیانیه گام دوم انقلاب، منشور مهدویت و زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی»، اثر مرتضی مولایی که در سال ۱۴۰۰ توسط مجله رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی

منتشر شده است. در این پژوهش، به جایگاه تمدن نوین و مهدویت در بیانیه گام دوم به نحوی گذرا پرداخته شده است؛ ۴. «جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای»، اثر حسن ملایی که در سال ۱۳۹۴ توسط مجله پژوهش‌های مهدوی به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله، تأثیرات مهدویت بر شکل‌گیری تمدن نوین را از منظر رهبر انقلاب مورد بررسی قرار داده است؛ ۵. «نقش آموزه‌های مهدویت در تحقق مهندسی تمدن نوین اسلامی»، اثر امیرمحسن عرفان که در سال ۱۳۹۳ توسط نشر معارف منتشر شده است و طی آن، نگارنده، ابعاد تأثیرگذاری مهدویت بر روند شکل‌گیری تمدن نوین را مورد تحلیل قرار داده است.

در اثر حاضر، به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که «از منظر مقام معظم رهبری، بین این مهدویت و تمدن نوین اسلامی چه نسبتی وجود دارد.» وجه تمایز این اثر نسبت به موارد برشمرده شده در این است: ۱. در این اثر به دنبال استخراج نوع ارتباط و نسبت بین مهدویت و تمدن نوین اسلامی خواهیم بود؛ ۲. تمرکز تحقیق بر حوزه فکری مقام معظم رهبری در استکشاف این رابطه خواهد بود؛ ۳. این تحقیق به استخراج نوع رابطه بسنده نخواهد کرد، بلکه این رابطه تحلیل خواهد شد.

### مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری تحقیق

نسبت‌سنجی تمدن نوین اسلامی و مهدویت، مشتمل بر چند بخش معنایی است: ۱. تمدن نوین اسلامی، ۲. مهدویت، ۳. نسبت‌سنجی که در ذیل به ترتیب به آن پرداخته خواهد شد. برای دستیابی به معنای جامعی از تمدن نوین اسلامی، باید به ترتیب سه واژه «تمدن»، «نوین» و «اسلامی» روشن شود تا از ترکیب این سه لفظ، مقصود از آن مشخص گردد. «تمدن»، برخاسته از مدنیت و به معنای گذر از بدایت به زندگی متکامل و جامع‌تری است که در آن، به ابعاد گوناگون حیات انسان در عرصه فردی و اجتماعی توجه می‌شود. «تمدن حالت اجتماعی انسان است و فرایند آن در انتقال از بدایت تحقق می‌یابد. اهل بادیه تنها به لوازم ضروری زندگی توجه می‌کنند» (ابن‌خلدون، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۱۸۳). این سیر انتقالی نیازمند تدریج و گذر زمان است تا مسیر تکاملی ابتدایی به نظامی همه‌جانبه منتهی شود. لذا در این



مسیر تبدیل شونگی، روند حرکت به سمت دستیابی به سازمانی کامل و نظام اجتماعی جامع در سطوح مختلف خواهد بود که از نتایج آن، تعالی در سطوح دانشی و ابزاری است و آنچه از رفاه و آرامش بیان می‌شود جزء نتایج این حرکت خواهد بود. «با گذشت زمان روش‌هایی منظم از زندگی، کار، دانش، صنعت، اداره شئون مملکت و فراهم کردن وسایل رفاه و آسایش مردم حاصل می‌شوند» (همان: ج ۱، ص ۱۷۲).

بنابراین، تمدن گذر از یک زندگی بسیط و فاقد جامعیت به سمت عرصه‌های گسترده، جامع و متکامل در حیات انسان است که طی آن، بشر بتواند به رشدی همه‌جانبه در ابعاد مادی و معنوی دست پیدا کند؛ چنان‌که برخی در خصوص معنای گسترده تمدن بیان کرده‌اند:

تمدن در کنار رفاه مادی روزانه، به پالایش معرفت و پرورش فضیلت نیز توجه می‌کند تا زندگی بشر را به مرحله بالاتری بکشاند. لذا سطح مادی و معنوی که زیربنای تحقق تمدن است، به مثابه موتور محرک تمدن عمل می‌کند (یوکیچی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۰).

تمدن در حقیقت یک ابرسیستم انسانی است و نمی‌توان آن را به صرف یک حکومت در نظامی سیاسی یا حتی تکنولوژی خلاصه کرد، بلکه تمدن صحنه تعاملات همه‌جانبه میان انسان‌هاست و انسان‌ها را به سمت رویکردی واحد تحت عنوان «امت» سوق می‌دهد. مضاف بر این، این ابرسیستم پدیده‌ای به هم تنیده است که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل خواهد شد (لوکاس، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۶). در مجموع در خصوص تعریف تمدن باید افزود که تمدن تکامل نظام‌وار، پیوسته و در قالب طرحی کلان و سیستمی است که گستره شمولی آن ساحت‌های مختلف نرم و سخت، فردی و اجتماعی و همه نظامات اجتماعی را دربرخواهد گرفت.

لفظ «نوین» که برخاسته از معنای «نو بودن» است، بر تحقق نوعی از حرکت دلالت خواهد کرد که در گذشته وجود نداشته است و باید به دنبال تأسیس آن باشیم نه احیا و بازسازی آن. لذا تمدنی نوین خواهد بود که الگو گرفته از مدل‌های سابق نباشد و سازه آن بر طرحی جدید بنا شده باشد؛ چه در رویکردها، چه در روش‌ها و چه در کیفیت بهره‌گیری از دین. مخفی نیست که مراد از نوین بودن تمدن اسلامی، ارائه دین جدید یا قرائتی جدید و مغایر با حقیقت شریعت نیست.

قید «اسلام»، در این ترکیب واژگانی، بر روح حاکم بر این تمدن نوین دلالت خواهد داشت؛ بدین معنا که حقیقت و خمیرمایه این تمدن برخاسته از متن حقیقی دین باشد و بر تجربیات، ذوقیات، مناسبات قومی و عرفی و... بنا نشده باشد. «تمدن نوین اسلامی» باید برخاسته از فهم صحیح و جامع از حقیقت دین باشد تا بتوان به آن تمدن اسلامی اطلاق کرد؛ و الا انضمام چندین آیه و روایت یا اقتباس بخشی از نظام تمدنی از تعالیم دینی و اخلاق اسلامی، باعث اسلامی شدن تمدن نخواهد شد.

بنابراین، در تعریف تمدن نوین اسلامی می‌توان افزود که حرکت از بدایت به سمت سازمان و نظام اجتماعی جامع که فاقد پیشینه در طول تاریخ بوده و بر روح اسلام منطبق است، «تمدن نوین اسلامی» نام دارد؛ تمدنی که جزء و کل آن، روح و کالبد آن برخاسته از روح حاکم بر دین اسلام است. در این تمدن، انسان‌ها در سطوح مادی و معنوی به رشد و تعالی جامع و حقیقی دست پیدا کرده‌اند و با رویکردی واحد، در یک ابر سیستم به هم تنیده در حال زندگی با یکدیگر خواهند بود.

مراد از «مهدویت» صرف اعتقاد به موعود آخرالزمان نیست، بلکه به مجموع نظام معرفتی، گرایشی و رفتاری منطبق بر این آموزه اطلاق می‌شود که توان آینده‌سازی در جهت حکومت موعود در پایان تاریخ را داراست؛ کمالین که «انتظار» که از کلیدواژگان اصلی این آموزه به شمار می‌رود، صرف نگاه و توقع به آینده نیست، بلکه مشتمل بر حرکت، پویایی، پایایی و روندگی است. «انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۲۵) بر این اساس، تعریف مهدویت به یک اندیشه، تعریفی حداقلی است که از نتایج آن سکون و ایستایی در جامعه منتظر و خلع کردن نگاه تمدنی از آن خواهد بود.

«نسبت‌سنجی»، همیشه به معنای پیدا کردن روابط منطقی بین دو گزاره نیست که شامل تساوی، تباین، عموم و خصوص مطلق و من وجه باشد؛ بلکه گاهی مراد از آن، تبیین کیفیت ارتباطی دو امر در حوزه تأثیر و تأثری و علی و معلولی خواهد بود؛ همان‌طور که در این جا مراد از نسبت‌سنجی، تشریح رابطه مقدماتی و مؤخری بین مهدویت و تمدن نوین خواهد بود؛ بدین معنا که کدام یک از آن‌ها مقدمه دیگری محسوب می‌شود.



## جایگاه‌شناسی ظهور در فرآیند فلسفه تاریخ

در تحلیل جریان تاریخی خلقت، می‌توان آن را به دو عرصه کلان تقسیم کرد: بخشی قبل از بعثت رسول خداوند که طی آن، انسان‌ها به فراخور عقول و معرفت دینی خود از دین بهره‌مند شدند و بخشی پس از بعثت رسول اکرم که در این دوران؛ با حصول ظرفیت پذیرش دین خاتم که به همه شئون و ظرفیت‌های بشری ناظر بود، دنیا وارد دگرگونی کلان نسبت به گذشته شد. دنیا قبل از این دوره گرفتار ظلمات در ابعاد مادی و معنوی بوده و تجلیات خلیفه‌اللهی انسان با حد ایده‌آل موعود فاصله معناداری داشت:

وَ الدُّنْيَا كَاسِفَةٌ الثُّورِ ظَاهِرَةٌ الْعُرُورِ عَلَى حِينِ اصْفَرَارٍ مِنْ وَرَقِهَا وَ إِيَّاسٍ مِنْ ثَمَرِهَا وَ [إِعْوَارٍ] اَعْوَارٍ مِنْ مَائِهَا (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۹)؛ روشنایی از جهان رخت بر بسته و فریب و نادرستی آشکار گردیده بود. جهان به باغی می‌مانست که برگ درختانش به زردی گراییده بود و کس از آن امید ثمره‌ای نداشت و آبش فروکش کرده بود.

امیرالمؤمنین در توصیف دوران جاهلیت که بشر در دوری از دین به سر می‌برد، چنین بیان می‌دارد: «وَ قِطْعاً جَاهِلِيَّةً لَيْسَ فِيهَا مَنَارٌ هُدَى (همان، خطبه ۹۳)؛ در دوران جاهلیت هدایت‌بخشی وجود نداشت»؛ و پس از آن در تشریح دوران بعثت رسول خداوند از ظهور هدایت سخن به میان می‌آورند: «فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ» (همان)؛ به سبب بعثت و رسول اکرم، خداوند بشریت را از گمراهی نجات داد و از جهالت به سمت هدایت و آگاهی پیش برد.

فرآیند حاکم بر تاریخ، حرکتی رو به جلو و استکمالی است و خداوند در هر دوره تاریخی، دین خود را از یک مرحله به مرحله متکامل‌تری وارد کرده است تا مسیر هدفمند تاریخ بشری، بنابر تعبیر برخی از آیات شریفه به مرحله «اتمام نور» برسد. با تکامل دین در هر عصری، ابعاد نورانیت در هستی نیز وارد روند متکامل‌تری شده است. به همین سبب، خداوند متعال عالم را دارای نور معرفی کرده است؛ اما جبهه مقابل پیوسته به دنبال از بین بردن آن خواهد بود؛ در حالی که اراده خداوند بر اتمام این نور خواهد بود؛ هرچند طواغیت و جبهه ظلمات از این امر کراهت داشته باشند، تمام تلاش خود را برای خاموش کردن آن معطوف کنند: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَهًُا أَنْ يُمَيَّرَ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه: ۳۲)؛ می‌خواهند نور خداوند را



با دهان خود خاموش کنند؛ اما خداوند ابا دارد از این خاموشی تا این که نورش کامل گردد هرچند کافران نیز کراهت داشته باشند.»

همواره در طول تاریخ به سبب تسلط جبهه متقابل بر جوامع بشری، این نور امکان بروز و ظهور کامل را نداشته و منظور از کامل شدن این نور، ظاهر شدن آن و بیرون آمدن از پس پرده و حجابی است که برای همگان امکان مشاهده کامل آن وجود داشته باشد. در روایات، این دوران به «عصر ظهور» معنا شده که نشان می‌دهد در این دوره، تاریخ پس از طی کردن مسیری تکاملی به غایت تکامل خود دست پیدا خواهد کرد:

«سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَقْوَاهِمَ » قَالَ وَ اللَّهُ مُبِيتُ الْإِمَامَةِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ فَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا فَالْتُّورُ هُوَ الْإِمَامُ قُلْتُ: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ» قَالَ هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولُهُ «بِالْوَلَايَةِ لَوْصِيهِ وَ الْوَلَايَةُ هِيَ دِينِ الْحَقِّ» قُلْتُ «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» قَالَ يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» وَ الْوَلَايَةُ الْقَائِمِ «وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۴۳۳)؛ از امام در مورد این آیه پرسیدم و ایشان پاسخ دادند منظور از این نور، امامت است و خداوند امامت را به آخرین مقطع خود خواهد رساند و به همین خاطر رسول خود را به معرفی وصی دستور داد و ولایت، همان دین حق خداوند است که بر دیگر ادیان غالب می‌شود و این امر در زمان ظهور رخ خواهد داد.»

از این رو، در تحلیلی تاریخی می‌توان نقطه کمال دین و نهایت به ظهور رسیدن دین خداوند را به دوران ظهور مربوط دانست که دشمنان خداوند در آن روز از میان رفته و زمین در خدمت بندگان خالص و شایسته خداوند قرار می‌گیرد و دیگر هیچ مانعی برای حضور دین خداوند در همه بخش‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها وجود ندارد:

تکامل بشریت در دنیا در دوران ظهور محقق می‌شود. حرکت انسان پیش از ظهور، همانند حرکت در پیچ و خم کوه‌ها و لجن‌زارها و حرکت تکاملی او پس از این عصر، چونان حرکت در بزرگراه است. به عبارت دیگر، حیات اصلی و حقیقی انسانیت در عهد ظهور محقق می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۲/۱۲).

البته این تکامل انسان در دوران پس از ظهور، امری دفعی نیست، بلکه تدریجی و با سیر مراحل تکامل است (همان، ۱۳۹۳/۳/۲۱).



بنابراین، بشر با طی کردن روندی تاریخی در عصر ظهور که متکامل‌ترین دوره حیات انسانی است، با رفع موانع ابعاد تکامل و نورانیت را با سرعت بیش‌تر پی خواهد گرفت.

### جایگاه تمدن نوین اسلامی در روند تکاملی تاریخ

تحقق تمدن کلان اسلامی، نیازمند طی مراحل مختلف تاریخی است که با شکل‌گیری هر مرحله، این تمدن وارد سطوح و لایه‌های بعد خواهد شد. تمدن نوین باید به همه ابعاد وجودی انسان ناظر باشد و غیر از «دین» به دریافت این شناخت و ارائه به بشر قادر نخواهد بود؛ چراکه ارائه تمدن تحول‌ساز در مرتبه اول، به شناخت جامع نفس انسان و سپس نیازهای حقیقی حاکم بر وجود او در همه نظامات متوقف است. این شناخت وسیع تنها در چارچوب علم حضوری به وجود انسان محقق خواهد شد و سایر گزاره‌های علم حصولی به جنبه‌ای از وجود انسان ناظر است. به همین دلیل، بعثت که شروع دوره تمدن‌ساز نوین در عرصه زندگی انسان است، فصل متمایز و مجزایی در زندگی بشر است. برای دستیابی به این تمدن پایه‌گذاری شده توسط رسول خداوند، حرکت نبیستی رو به عقب باشد؛ به همین سبب است که در فرآیند تمدن‌سازی، چیزی به عنوان بازسازی، تحریف خواهد بود؛ چراکه آنچه در برخی ادوار تاریخی در تشیع رخ داد، تنها شمه‌ای از آن تمدن الهی کلان است. لذا آن رخدادها، مقصد تمدنی محسوب نمی‌شوند، بلکه مصادیق محدودی از تمدن نوین هستند. بر همین اساس، قابلیت هدف‌گذاری نیز ندارند و به دنبال آن، الگوی تمدن‌سازی نخواهند بود و قرار نیست آنچه در دوره‌ای به نحو جزئی پدید آمد، مورد ترمیم و بازسازی مجدد قرار گیرد. «خواست عمومی ملت‌هایتان بازگشت به اسلام است که البته به مفهوم بازگشت به گذشته نیست» (همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

مضاف بر این، حرکت شکل‌گرفته در برخی ادوار تاریخ اسلامی منبعت از تمدن‌های یونان و روم نیست؛ همان‌طور که برخی به اشتباه تصور کرده‌اند. این تمدن زاییده نهضت ترجمه کتاب‌ها در این دوران بوده است، بلکه این تمدن نشأت‌یافته از به‌کارگیری برخی تعالیم دینی بوده که در مقایسه با آنچه خداوند متعال برای انسان در عصر تمدن نوین اسلامی اراده کرده است؛ شمه‌ای محدود محسوب خواهد شد. بنابراین، در روند طولی و تکاملی شکل‌گیری تمدن





نوین اسلامی، هرگاه به روح حاکم بر این تمدن که حقیقت دین بوده است، توجه شد و طرح‌ها و مدل‌های اجرایی در حوزه سخت و نرم بر پایه آن قرار داده شد، گره‌ها باز شد و مسیر تمدنی با روندگی بیش‌تری طی شد؛ اما هر زمان که توجه جامعه اسلامی در روند تاریخی شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی به عقب یا تمدن هم‌عرض (غرب) معطوف گشت. این روند استکمالی تاریخی با خلل یا عقب‌گرد رو به رو گشت، لذا در فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین، نگاه جامعه باید همواره به جلو باشد نه به پشت سر یا جوانب دیگر. در غیر این صورت، جامعه به دام تقلید از تمدن‌های رقیب خواهد افتاد: «نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی یا ناسیونالیسم افراطی یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند» (همان، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

### پروسه یا پروژه بودن تمدن نوین اسلامی و مهدویت

تمدن نوین در مسیر تحقق خود باید مسیری طولی را بپیماید و از مواضع مختلف گذر کند تا بتواند به نحو جامع محقق شود. این مسیر با اراده، گرایش‌ها و عمل انسان‌ها ساخته می‌شود و محصول خود به خودی یک فرآیند نیست. به همین دلیل، همان‌طور که ادیان الهی در پروسه‌ای تاریخی گام به گام مسیر خود را طی کردند تا به دین جامع و خاتم رسیدند، تمدن نوین نیز باید مرحله به مرحله پیش رود تا جامعه بشری را به وحدتی در سوگیری و روند رفتاری برساند.

این نگرش، نوعی تلقی فرایندی و پروسه‌ای به تمدن است و نقطه مقابل آن، نگرش پروژه‌ای به تمدن است که صرفاً یک غایت و نقطه انتهایی را به مثابه تمدن تلقی می‌کند و مراحل ماقبل وصول را، ولو این که در مسیر درست و اصل به نقطه پایانی باشد، تمدن تلقی نمی‌کند. لذا تمدن نوین، برای وصول به بالندگی نهایی و غایت مورد نظر خود، باید در مسیری پروسه‌ای، مراحل مختلفی را طی کند و در این مسیر، در قبال معرفت‌ها، امیال و عملکردهای انسان‌ها، باید مقدماتی صورت پذیرد تا تمدن از یک مرحله به مرحله دیگر وارد شود. لذا تحقق تمدن مرهون یک جریان مداوم است و با کار مقطعی قابل دستیابی نیست. دیدگاه رهبر انقلاب، در باب ماهیت تمدن نوین، نگاهی پروسه‌ای است و دستیابی به چنین تمدنی را در مسیری خطی، ممتد و تدریجی جست‌وجو می‌کنند. «خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط



رسیدن به تمدن اسلامی است» (همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

مقدمه‌سازی در حوزه مهدویت نیز حاکی از پروسه بودن مراحل مقدماتی ظهور است؛ بدین بیان که ظهور، پس از شکل‌گیری حلقه‌های طولی متعدد که در مجرای تاریخ به هم پیوسته شده است، شکل خواهد گرفت. ظهور امری دفعی، انفجاری و لحظه‌ای نیست، بلکه معلول شکل‌گیری مقدمات لازم است:

شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود (ارواح‌نفاذ) باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد (همان، ۱۳۷۶/۹/۲۵).

بنابراین، هم تمدن نوین و هم مهدویت، برای رسیدن به راهبرد کلان خود، مسیری زمان‌مند و تدریجی و پروسه‌ای را پیش روی خود می‌بینند که در این حرکت، لازم است قطعه به قطعه اهداف خرد تحقق پیدا کند تا کلان برنامه مورد توقع در این فرآیند دست‌یافتنی گردد.

از منظری دیگر، می‌توان ظهور را پروسه‌ای بشری و پروژه‌ای الهی دانست؛ چراکه تحقق آن به سه اراده منوط است: ۱. اراده خداوند، ۲. اراده امام عصر عجل الله تعالی، ۳. اراده مردم. در این بین، اراده امام تابع اراده خداوند است<sup>۱</sup> و اراده خداوند نیز به طور قطعی به تحقق ظهور تعلق گرفته است.<sup>۲</sup> این اراده دارای زمان مشخص، نقشه راه روشن و غایتی معلوم است. خصوصیات این اراده که بر کل حرکت تاریخ حکم فرماست، از سنخ یک پروژه است؛ چراکه تعلق اراده خداوند نیازمند آزمون و خطا و سعی نیست و در زمانبندی آن نیز تخلفی وجود ندارد. بر همین اساس، ظهور، مطابق با اراده خداوند «پروژه» است؛ اما این پدیده مطابق با اراده مردم که جزء لازم تحقق ظهور خواهد بود، «پروسه» است؛ چراکه انبیای الهی و کتاب و میزان نازل شده است تا

۱. در همین زمینه، روایتی از ناحیه مقدسه صادر شده است: «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِشَيْئَةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا، وَاللَّهُ يَقُولُ: «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (مجلسی، ۱۳۷۸: ج ۲۵، ص ۲۳۷)؛ دل‌های ما ظروفی برای خواست خداوند است. اگر خدا چیزی را اراده کند و بخواهد، ما نیز اراده می‌کنیم و خواهیم خواست. خداوند متعال می‌فرماید: و شما نمی‌خواهید مگر اینکه خداوند بخواهد».

۲. «وَرُبُّدُنْ أَنْ نَمُّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)؛ و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کرده شده در آن سرزمین متت بنهیم و آن‌ها را پیشوایان قرار دهیم و وارث گردانیم».

مردم در فرآیندی پروسه‌ای برای تحقق قسط و رسیدن عدل مطلق، قیام کنند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)؛ همانا ما پیامبرانمان را با معجزات و دلایل آشکار فرستادیم و همراه آنان کتاب [آسمانی] و وسیله سنجش فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند». بنابراین، حادثه ظهور در یک نگرش، هم پروژه و هم پروسه خواهد بود که در آن، اراده انسان و تلاش فعال او امری ضروری است. اما این اراده در ذیل اراده جامع و طرح کامل حق تعالی بر کل تاریخ قرار خواهد داشت.

### تقابل یا تعامل حرکتی مهدویت و تمدن نوین اسلامی

روند حرکتی مهدویت به سمت اظهار تمام دین است. به همین سبب، در این عصر، اعوجاج‌هایی که در دین ایجاد شده بود، از بین خواهد رفت و توسط امام عصر حقیقت دین به ظهور خواهد رسید و مردم با استکمال عقلی خود در پرتو هدایت جامع خداوند، حقایق را رؤیت خواهند کرد؛ چراکه تمنیات نفسانی که مهم‌ترین موانع شکل‌گیری علم و معرفت است، از میان خواهد رفت.

در این زمان است که بشر شاهد کارکرد حقیقی و جامع دین خواهد بود و با بهره‌مندی از دین، از دیگر تمدن‌های مادی به استغنا می‌رسد. در این دوران، نور ولایت خداوند به وسیله ولی کامل او بر زمین عرضه خواهد شد تا راه از بیراهه و عبودیت از شرک و کفر بازشناخته شود و در این بستر، بشر به والاترین مراتب هدایتی دست یابد؛ مفضل بن عمر می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره کلام خداوند متعال: ﴿وَأَسْرَفَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ فرمود: «پروردگار زمین، یعنی امام زمین.» عرض کردم: وقتی امام بیرون آید، چه می‌شود؟ امام فرمود: «آن‌گاه مردم از تابش خورشید و نور ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام ره می‌نوردند» (مجلسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۳۲۶).

این نورانیت در نور خداوند و ولایت حق تعالی ریشه دارد که از مجرای وجود امام معصوم در عالم تحقق پیدا خواهد کرد و به میزانی دارای هدایتگری است که انسان‌ها بنابه ظرفیت وجودی خود به بالاترین سطوح معرفتی، نورانیت و هدایت دست خواهند یافت. این استکمال بشری، سبب کمال بندگی ایشان خواهد شد و تنها ولایت خداوند در عالم جریان خواهد یافت.



بر این اساس، در عصر ظهور، هستی به نهایت بالندگی و تکامل خود خواهد رسید که در برخی از روایات تفسیری به حیات زمین پس از مرگ آن تعبیر شده است: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (حدید: ۱۷)؛ بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن، زنده می‌کند؛ امری که تحقق آن در دوران ظهور خواهد بود؛ او امامی است که به حق قیام می‌کند. خداوند زمین را بعد از مردنش به وسیله او زنده می‌کند (مجلسی، ۱۳۸۷: ج ۵۱، ص ۱۳۳).

از طرفی دیگر، تمدن نوین اسلامی نیز در چارچوبی تدریجی و استکمالی حرکت خود را به سمت آینده آغاز کرده است. این پروسه رو به جلو که از اشتراکات اساسی مهدویت و تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود، به روشنی در گفتمان رهبر معظم انقلاب نمود دارد؛ همان طور که ایشان در تبیین مراحل نظام‌سازی تا دستیابی به تمدن نوین، گام به گام سطوح استکمالی تمدنی را تعریف کرده‌اند. لذا انقلاب اسلامی در مسیر حرکت ناظر به نقطه ایده‌آل و سیورورت قرار دارد. «حرکت انقلاب اسلامی، حرکت نظام اسلامی، حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹). مخفی نیست که چون حرکت از سیورورت و تدرج برخوردار است، تنها بر حالتی فرآیندی و پروسه‌ای اطلاق می‌شود.

بنابراین، تمدن نوین در مسیری رو به جلو و تکاملی محقق خواهد شد؛ همان طور که مهدویت برای نزدیک شدن به عصر ظهور، در مسیری ناظر به آینده و استکمالی در حال حرکت است. لذا رابطه تمدن نوین اسلامی و مهدویت، رابطه تعاملی خواهد بود و ناهمگونی و تضادی بین آن‌ها دیده نمی‌شود؛ اما سخن بر سر مقیاس حرکتی آن‌هاست که کدام بر دیگری مؤثر و حتی مقدمه‌ای برای دیگری محسوب می‌شود.

در گفتمان مقام معظم رهبری، تمدن نوین از منظری نقش مقدمیت را برای دوران ظهور ایفا خواهد کرد و حلقه‌ای اساسی در مسیر مقدمه‌سازی ظهور خواهد بود تا از این مسیر جامعه و امت اسلامی و در مقیاسی بین‌المللی برای این حادثه کلان تاریخی آماده شود:

شما باید که باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیش‌تر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید (مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب).

از سویی دیگر، تمدن نوین دارای حقیقتی مشترک با ظهور معرفی شده، در این نگرش، با

تحقق ظهور، تمدن نوین اسلامی به نحو کامل شکل خواهد گرفت؛ «تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیةالله (ارواحنافداه) است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴). در نگرش اول، گستره حرکتی تمدن تا قبل از تحقق عصر ظهور است؛ اما در نگرش دوم، تمدن نوین با تحقق ظهور، به اوج خود خواهد رسید. در این حالت، ظهور بر فرآیند استکمالی تمدن نوین مؤثر خواهد بود؛ در حالی که در حالت پیشین تمدن نوین اسلامی نقشی مؤثر بر تکمیل حلقه‌های مقدمه‌ساز ظهور داشت. این دو نگاه، در ظاهر دارای دوگانگی نسبتی بین تمدن نوین اسلامی و مهدویت است؛ اما در حقیقت نشان دهنده حقیقت مهدویت و تمدن نوین اسلامی و حوزه تأثیرگذاری هرکدام از آن‌ها بر دیگری است که نشان می‌دهد ماهیت تمدن نوین فراتر از تعاریف محدودی است که از آن ارائه شده و نقش بی‌بدیلی را در چرخه مقدمه‌سازی ظهور خواهد داشت که در ادامه بدان اشاره می‌گردد.

### نقش تمدن نوین اسلامی در چرخه مقدمه‌سازی ظهور

بنا بر نظریه مقام معظم رهبری، تحقق تام تمدن نوین اسلامی در عصر ظهور خواهد بود. طبیعی است به فعلیت رسیدن این تمدن، تنها در ظواهر نخواهد بود، بلکه هم پوسته و هم تمامی ساحات متنی زندگی انسان را پوشش خواهد داد؛ چراکه جلوه‌های عصر ظهور در ابعاد ظاهری حیات بشری متوقف نخواهد شد و باطن و همه سطوح و لایه‌های زندگی او را نیز در برخواهد گرفت؛ و الا تعبیراتی چون احیای زمین پس از مرگ آن، روشنایی و اشراق همه جانبه دنیا، استکمال عقول و... تعابیری صوری و اعتباری خواهد بود. بنابراین، نمی‌توان اسلامی بودن تمدن نوین را در صرف الفاظ اسلامی معنا کرد؛ همان‌طور که تعریف اسلامی بودن این تمدن به صرف اصول و مبانی خطاست. تمدنی که تنها در عرصه کلان و مبنایی اسلامی باشد و برای مناسبات روزمره، سبک زندگی انسان و حتی اوقات فراغت او برنامه نداشته باشد، قادر نیست انسان را به غایتی (توحید) که خداوند برای او در نظر گرفته است برساند:

تمدن اسلامی، یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده



است برسد (همان، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

محدود کردن اسلامیت این تمدن به بهره‌گیری از منابع اسلامی نیز نوعی دیگر از فاصله انداختن بین حقیقت این تمدن با عصر ظهور است؛ چراکه غایت ظهور احیای کامل دین در همه جهات و ارائه حقیقت اسلام به جامعه بشری است. این امر بدون بهره‌گیری از دین در همه شئون زندگی انسان میسر نخواهد بود. لذا اگر دوران ظهور، عصر تحقق حقیقت تمدن نوین اسلامی است، بدین سبب است که تمدن نوین چه در متن و چه در حاشیه، چه در ظاهر و چه در باطن، چه در عرصه حیات فردی و چه در سطوح مختلف نظامات اجتماعی به حقیقت اسلام تکیه دارد. تنها منبع آن دین خواهد بود و تولید فکر و پرورش انسان که دو سطح اساسی تمدن نوین اسلامی است، متکی بر روح دین و حقیقت آن تحقق پیدا خواهد کرد؛ و الا استفاده ظاهری، جزئی‌نگرانه و حتی در سطح کلی و اجمالی از دین اسلام، محصولی به نام تمدن نوین اسلامی به مقیاسی که با عصر ظهور همگام و همسو باشد؛ به وجود نخواهد آورد. «در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد» (همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

در این جا، سؤالی که به وجود می‌آید، در خصوص کیفیت نقش مقدمه‌ساز این تمدن در چرخه تسهیل‌گری فرآیند ظهور است. زمانی که این تمدن روحی بر عصر ظهور منطبق است، چه طور می‌تواند بر ظهور مؤثر باشد؟ مقام معظم رهبری شکل‌گیری غایت و قله کمال این تمدن را بدون عصر ظهور غیرممکن می‌دانند؛ اما این بیان به معنای نفی تأثیر این تمدن بر نزدیک شدن دوران ظهور نیست. در واقع تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار بر چرخه مقدمه‌سازی ظهور است. روح و حقیقت آن همسو با مهدویت است و گام برداشتن در مسیر آن، درحقیقت حرکت در مسیر ایجاد مقدمات ظهور می‌باشد. زمانی که جامعه بشری شاهد شکل‌گیری پیشرفت‌های ایران در سطوح مختلف باشد، اقبال جهانی به روح حاکم بر این حرکت رو به رشد خواهد بود و گرایش به منجی معرفی شده توسط اسلام و عصر ظهور نیز افزوده می‌گردد. رهبر انقلاب، تمدن نوین اسلامی را سبب جاری شدن فرهنگ اسلامی در فضای حاکم بر جهان دانسته‌اند که بدون شک اعتقاد به منجی منصوص و رقم خوردن پایان تاریخ به دست امام عصر مطابق با معارف مهدویت، یکی از آن امور، بلکه مهم‌ترین آن‌ها خواهد بود: «وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی

فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت» (همان، ۱۳۸۴/۵/۲۸).

بنابراین، مهم‌ترین گام در عرصه تسهیل‌گری حادثه ظهور، پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که در متن و حرکت خود دارای روح مهدوی است که زمان ظهور را نزدیک‌تر خواهد کرد. «هر کدام از این حرکات، گامی است در جهت تحقق فرج نهایی و مؤثر در نزدیکی ظهور» (همان، ۱۳۸۰/۸/۱۴)؛ بلکه در مقیاسی کلان‌تر در منظومه فکری رهبر انقلاب، ظهور بدون تشکیل و تداوم حکومت اسلامی، رخ نخواهد داد، «بلکه در صورت نبود این موارد، ممکن نیست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند» (همان، ۱۳۶۳/۲/۲۷). لذا به قطع می‌توان گفت روح و فرآیند حاکم بر مقدمه‌سازی ظهور، همان مراحلی است که باید در روند تحقق تمدن‌سازی نوین طرح‌ریزی و اجرا کرد. از این رو، تحقق حقیقت تمدن نوین، به شکل‌گیری عصر ظهور مشروط است و به خاطر روح مشترک تمدن نوین و مهدویت و فرآیند مقدمه‌سازی ظهور؛ این تمدن بنابر گفتمان رهبر معظم انقلاب، مهم‌ترین گام و تنهاترین راه در زمینه نزدیک شدن ظهور است.

### نقش تمدن نوین اسلامی در معرفی الگوی جامع مهدوی

انقلاب اسلامی در عصری تحقق پیدا کرد که نظریه‌های تمدنی جهان برای دین کم‌ترین سهم ممکن را در نظم شکل گرفته آن دوران قائل بودند. امام راحل با ایجاد فرآیندی که چند دهه به طول انجامید، مقدمات لازم برای شکل‌گیری این بینش را در سطح جامعه تحقق بخشید که دین اسلام می‌تواند در دوران افول ادیان در عالم، به پا خیزد و از ظرفیت‌های فراموش شده خود در عرصه اجتماعی و حکومتی استفاده کند. تا به امروز بخشی محدود از این ظرفیت به جامعه جهانی ارائه شده که ثمره آن در منطقه و حتی کشورهای هم‌جوار با رئیس قدرت غربی نمودار شده و حلقه مقاومت شکل گرفته در منطقه و در بخش‌هایی از جهان، محصول امتداد نگاه دیگر ملت‌ها به روند حرکتی و محصولات فعلی این انقلاب بوده است.

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، جامعه ما به هر میزان که بتواند مراحل شکل‌دهی به تمدن نوین را طی کند، به همان میزان جامعه جهانی تحت تأثیر پیشرفت‌های دینی حاصل شده در انقلاب اسلامی قرار خواهد گرفت و به نحو ملموس شاهد این حقیقت خواهد بود که



شعار مرگ دین، پیامی دروغ از جانب جبهه استعماری دنیا بوده و دین در قرن حاضر نه تنها در حال حیات است، بلکه از پویایی لازم برای پاسخگویی به اقتضات روز و نیازهای انسان امروزی برخوردار است. در این زمان است که انقلاب اسلامی و ملت ایران با تئوری ظهور و مقدمه‌سازی این دوران موعود، می‌تواند نقش الگو را برای سایر ملت‌ها داشته باشد:

وقتی که ملت ایران توانست خود را به آن نقطه‌ای برساند که بتواند به عنوان یک ملت مُسلم - به معنای حقیقی کلمه - خود را به دنیا نشان بدهد، این بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام است. ملت‌های دیگر هم روانه همین طرف خواهند شد و تشکیل امت بزرگ اسلامی که مایه عزت و مایه ترویج اسلام در سراسر جهان است، اتفاق خواهد افتاد (همان، ۱۳۹۵/۵/۱۱).

پنهان نیست که مسیر دستیابی به نتایج محوریت‌بخشی به دین، دارای روندی تدریجی و زمان‌بر خواهد بود. در این مسیر، خیزش‌ها، رویش‌ها و خوانش‌های متکامل رفته‌رفته پدیدار خواهد شد و انسان‌ها به میزانی که بر مدار دین، لایه‌های گوناگون حیات خود را تنظیم کنند، از ارمغان‌های آن برخوردار خواهند بود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً درهای برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم.»

مضاف بر این، عصر ظهور به عنوان غایت حیات بشری، بالاترین سطح کمال حیات بشری است که تحقق کامل آن تنها به دست خلیفه تام خداوند (امام عصر) رقم خواهد خورد و تنها به دست ایشان، تمامی ظرفیت‌های انسان‌ها به فعلیت خواهد رسید. «دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ... دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۴/۱۸). زمانی که انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی را بر پایه ظهور طرح‌ریزی کند، این گفتمان‌سازی در ضمن آن شکل خواهد گرفت که حرکات صورت گرفته تا قبل از ظهور تنها حلقه‌ای از زندگی ایده‌آل و خالی از نقصان بشریت در سایه دین حق خواهد بود و حقیقت و معنای جامع آن تنها در عصر ظهور و به دست امام عصر صورت خواهد گرفت. انعکاس این اندیشه در ضمن طرح‌ریزی و پایه‌گذاری تمدن نوین، موجب تقویت اضطرار به ظهور خواهد شد.



در این بین، این سؤال وجود دارد که با تحقق تمدن نوین و نتایج آن در زندگی بشر، چگونه همچنان امتداد نگاه‌ها به ظهور پابرجا و انتظار و اضطراب به این دوران در انسان‌ها زنده خواهد ماند؛ در حالی که در عصر شکل‌گیری تمدن نوین، در حال برخورداری از محصولات این زندگی ایده‌آل هستند؟ در پاسخ باید گفت همان‌طور که بیان شد در اندیشه رهبر معظم انقلاب و دکترین انقلاب اسلامی، روح و حقیقت تمدن نوین ورای مهدویت و از آن جدا نیست. به عبارتی دیگر، تمدن نوین بر پایه مهدویت برای تسهیل در شرایط ظهور و مبتنی بر آموزه جامع انتظار فعال شکل خواهد گرفت. در چنین جامعه‌ای مهدویت و محوریت یافتن امام عصر، سازگاری حاشیه‌ای نیست، بلکه غایت‌مندی انقلاب به تقریب ظهور، در فرآیند تمدن نوین باید در همه شئون و عرصه‌های خرد و کلان انقلاب نفوذ پیدا کند؛ و الا هم انقلاب از خطوط اصلی خود فاصله خواهد گرفت و هم تمدن نوینی که مورد بحث قرار گرفت، محقق نمی‌گردد.

### درگیری تمدنی در فرآیند ساخت تمدن نوین

در روند اضطراب به ظهور، انقطاع از وضع موجود و سطحی از ناامیدی وجود دارد؛ همان‌طور که ادله متعدد حاکی از امتلای جهان از ظلم و جور بر همین مبناست. با این حال، چگونه می‌توان به حرکت تمدنی به سمت ظهور قائل شد؟ از ابتدای خلقت تاکنون، دو جریان موازی همواره با یکدیگر درگیر بوده‌اند. جبهه حق و باطل، در مسیر تاریخی، به ترتیب به نورانیت و به ظلمات دعوت کرده است و مطابق با اندیشه مقام معظم رهبری، پر شدن عالم از ظلم و جور در عصر ماقبل ظهور، به معنای نابودی جبهه حق و نورانیت نیست، بلکه به معنای غلبه نوعی ظلم در دنیا خواهد بود؛ اما جبهه نورانیت به مسیر رو به گسترش خود ادامه خواهد داد؛ همان‌طور که در آیات متعدد، بدین حقیقت تعبیر شده که جبهه ظلمات، همواره به دنبال خاموش کردن نورانیت است؛ اما اراده خداوند به اتمام و سرانجام رساندن این نور تعلق گرفته است؛ که این، نشان می‌دهد مسیر حرکتی جبهه نورانیت در روند تاریخ، رو به تکامل و وسعت بوده است: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَقْوَاهِمَ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف: ۸)؛ آنان تصمیم دارند که نور خدا را با دهان‌های خود خاموش کنند، در حالی که خداوند کامل‌کننده نور خویش است هرچند کافران ناخشنود باشند.»



بنابراین، با نگاه تحلیلی تاریخی و با نظر میدانی، این حقیقت مشهود است که امروزه انقلاب اسلامی، به عنوان پیشرو در مسیر دین‌داری ناب در دنیا، در حال پیشروی به سمت اهداف متعالیه خود است. در طول این راه، ممکن است گاهی حرکت آن کند و گاهی تند شود؛ اما در مجموع، این حرکت رو به جلو بوده است که نشان می‌دهد در عصر شیوع و فراگیری ظلمات، انقلاب اسلامی به عنوان الگو و محور امت واحد، در حال حرکت در دالان فرآیند تمدنی خود است؛ چرا که «انقلاب، یعنی یک حرکت بزرگ و رو به جلو که این حرکت هرگز ایستایی ندارد و به طور دائم پیشرونده است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

پوک شدن تدریجی تمدن غربی، توسعه پیدا کردن سطح خودآگاهی جهانی در مواجهه با این تمدن، افزایش باورمندی و گرایش جهانی به صدق و کارآمدی آموزه‌های دینی اسلامی، رشد قدرت و مقبولیت محورهای مقاومت به رهبری انقلاب اسلامی و مؤلفه‌هایی از این دست؛ همگی حاکی از این حقیقت است که مراد از ظلمات قبل از ظهور، سیاهی به معنای مطلق نیست، بلکه عالم در حال تمحیص، تمییز و تفکیک دو جبهه حق و باطل و در کنار آن، رشد تدریجی و تکامل حرکتی جبهه نورانیت است. پس این تلقی خطاست که برای ظهور باید صلاح به نقطه صفر برسد و جهان پس از یک انفجار ناگهانی به فرج و نجات برسد.



## نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی، بر پایه حقیقت حاکم بر دین بنا گذاشته خواهد شد و بشر تا مقیاسی به تحقق بخشی به این راهبرد اساسی قادر است. در هندسه فکری مقام معظم رهبری، شکل‌گیری جامع این تمدن به دست انسان کامل و ولیّ خداوند در ایام ظهور رخ خواهد داد؛ چراکه تمدن نوین به دنبال اجرای دین در همه شئون و عرصه‌های حیات انسانی است و نهضت ظهور نیز به عنوان غایت خلقت به دنبال تحقق بخشیدن به استخلاف فردی و اجتماعی انسان و بارورسازی جمله ظرفیت‌های وجودی انسان در همه ابعاد خواهد بود. لذا از حیث غایت‌سنجی، تمدن نوین و مهدویت در یک چارچوب قرار دارند؛ اما از نظر تقدیمی و تأخیری، زیرساخت‌سازی و اجرای گام‌های موجود در این تمدن، یگانه ابزار تسهیل در ظهور خواهد بود تا جایی که رهبری انقلاب، بدون اجرای این امر، نزدیک‌سازی ظهور را غیرممکن می‌دانند. از این منظر، ارتباط تمدن نوین با مهدویت و ظهور، مقدمی خواهد بود و تمدن نوین اسلامی نقش ممهّد و تسهیل‌گر برای ظهور خواهد داشت هرچند با ظهور هم این تمدن به غایت و حقیقت و ظهور تام خود خواهد رسید.



## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۶ق). *مقدمه ابن خلدون*، بیروت، دار احیاء التراث.
۲. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۹). *جستارهای نظری در اسلام تمدنی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در اجتماع مردم قم، ۱۳۶۳/۲/۲۷؛ <https://farsi.khamenei.ir>.
۴. \_\_\_\_\_، بیانات در جمع طلاب در مدرسه فیضیه قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴؛ <https://farsi.khamenei.ir>.
۵. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار استادان و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸؛ <https://farsi.khamenei.ir>
۶. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار مردم استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۴؛ <https://farsi.khamenei.ir>.
۷. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴؛ <https://farsi.khamenei.ir>
۸. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹؛ <https://farsi.khamenei.ir>.
۹. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسسه دارالحدیث، ۱۳۹۳/۳/۲۱؛ <https://farsi.khamenei.ir>.
۱۰. \_\_\_\_\_، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲؛ <https://farsi.khamenei.ir>.
۱۱. \_\_\_\_\_، دیدار با اقشار مختلف مردم در نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷؛ <https://farsi.khamenei.ir>.
۱۲. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱؛ <https://farsi.khamenei.ir>.
۱۳. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۶/۲/۱۲؛ <https://farsi.khamenei.ir>.

۱۴. \_\_\_\_\_، بیانات در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴؛

<https://farsi.khamenei.ir>.

۱۵. \_\_\_\_\_، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶؛

<https://farsi.khamenei.ir>.

۱۶. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۹/۲۵؛

<https://farsi.khamenei.ir>.

۱۷. \_\_\_\_\_، بیانات در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹؛

<https://farsi.khamenei.ir>.

۱۸. سیدرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.

۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸). *کافی*، قم، جامعه مدرسین.

۲۰. لوکاس، هنری (۱۳۶۶). *تاریخ تمدن*، تهران، کیهان.

۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۷). *بحار الانوار*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۲. نصر، سیدحسین (۱۳۸۶). *معرفت جاودان*، تهران، مهر نیوشا.

۲۳. یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۷۹). *نظریه تمدن*، تهران، گیسو.

